

بررسی و نقد کتاب/اجتماعیون عامیون

مرتضی منشادی*

چکیده

این گروه نخستین حزب سیاسی با گرایش سوسیال دموکراتیک در ایران به شمار می‌رود. اقدامات این گروه بر روی طیفی قرار دارد که از خشونت و ترور تا سازش و همکاری با دولت مشروطه را شامل می‌شود. اسناد و آثاری که به بررسی شکل‌گیری و تحلیل اقدامات اجتماعیون عامیون می‌پردازند بر سر این نکته که میزان استقلال آنان از سوسیال دموکرات‌های روسی چه اندازه بود توافقی ندارند. اجتماعیون عامیون به بررسی همین موضوع می‌پردازد. سهراب یزدانی، مؤلف کتاب، بر استقلال اجتماعیون عامیون تأکید دارد. آنچه در مقاله حاضر به آن توجه شده است تحلیل یزدانی از اسناد و مدارک موجود و تازه‌یاب اوست.

کلیدواژه‌ها: سوسیال دموکراسی، اجتماعیون عامیون، یزدانی، استقلال سازمانی، وابستگی حزبی.

۱. مقدمه

پیروزی نهضت مشروطه‌خواهی آیین و شیوه حکمرانی در ایران را به چالش کشید. پژوهش در ابعاد گوناگون این «حرکت اجتماعی» (آدمیت، ۱۳۸۷: ۲۷) از دیدگاه‌های مختلف تا به امروز ادامه یافته است. این تلاش‌های محققانه تا زمانی که بحث نوسازی در ایران مطرح باشد تازه و شوق‌برانگیز خواهد بود. دولت‌مردان و نخبگان سیاسی ایران دست‌کم از دوره عباس میرزا و شکست‌های ایران از روسیه با ضرورت نوسازی و مدرنیزاسیون آشنا شده بودند، اما پادشاه که توجه چندانی به شرایط تغییر یافته بین‌المللی نداشت کماکان بر استمرار شیوه و پایدار نگه داشتن نهادهای حکمرانی سستی — استبدادی

* استادیار علوم سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد، manshadi@um.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۴/۱۸، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۷/۱۰

پافشاری می‌کرد. تحول‌خواهی به تدریج از میان نخبگان به درون جامعه گسترش یافت و همه گروه‌های اجتماعی بر سر این موضوع که اصلاحات نیاز فوری جامعه است به توافقی نانوشته رسیدند و به این ترتیب گروه‌های اجتماعی با انتظارات و اهداف متفاوت در نهضت مشروطه‌خواهی شرکت کردند. بررسی نقش و جایگاه هریک از این گروه‌ها در نهضت مشروطیت می‌تواند موضوع پژوهش مستقلی باشد. در این میان، فعالان سیاسی، نخبگان، و رهبران اجتماعی برای رسیدن به اهداف خود گروه‌ها و سازمان‌هایی را تشکیل دادند که برخی از آن‌ها به «حزب» معروف شدند. در دوره مد نظر مشهورترین آن‌ها فرقه (حزب) اجتماعیون عامیون بود. با توجه به شرایط و ضرورت آگاهی از تحولات ایران پژوهش درباره چگونگی شکل‌گیری، برنامه، ساختار، و شیوه عمل احزاب سیاسی در ایران کاری تخصصی، دشوار، و بااهمیت بسیار است. حزب سیاسی یکی از نهادهای جدید (مدرن) به شمار می‌آید. اگرچه میان نوسازی سیاسی و حزب سیاسی ارتباطی منطقی وجود ندارد، اما از لحاظ تجربی این دو همراه بوده‌اند. از این منظر، مشروطیت فرایندی نوساز بود که نتیجه‌اش پیدایش و فعالیت سازمان‌های سیاسی و احزاب در ایران است. به عبارت دیگر، تشکیل حزب اجتماعیون عامیون یکی از نخستین نشانه‌های ورود مدرنیسم و اندیشه‌های جدید به ایران به شمار می‌آید. حزب اجتماعیون عامیون دوام چندانی نداشت، اما یکی از نهادهایی بود که اندیشه‌ها و نهادهای مدرن را به ایرانیان معرفی کرد. بر سر این که نخستین حزب سیاسی در ایران کدام است و در چه تاریخی تشکیل شده است تقریباً اختلافی میان محققان نیست (میرزا صالح، ۱۳۸۴: ۲۵) و اجتماعیون عامیون نخستین تشکیلات حزبی در ایران دانسته می‌شود.

بررسی «حزب» در ایران، به‌رغم اهمیتی که در تاریخ سیاسی این کشور دارد، حجم اندکی از تحقیقات را به خود اختصاص داده است. بازنویسی تاریخ و تحلیل عملکرد احزاب در ایران سابقه‌ای طولانی ندارد و داده‌ها و آگاهی‌های موجود و در دسترس نیز با انواع اطلاعات نادرست و گاه آمیخته به تعصبی شدید همراه است. به این ترتیب، تشخیص درست از نادرست بسیار دشوار است. در این میان، پژوهش درباره احزاب چپ‌گرا با دشواری بیش‌تری همراه است. فرقه اجتماعیون عامیون در شمار همین احزاب به شمار می‌آید. این حزب بر اساس مدل احزاب سوسیال دموکرات روسی و آلمانی سازمان یافته بود و ارتباط مستحکمی با سوسیال دموکرات‌های قفقاز داشت (اتحادیه، ۱۳۶۱: ۶۴-۷۲). در عمل نیز اعضای فرقه اجتماعیون عامیون هم‌چون هم‌تایان روسی خود اصول کار تشکیلاتی و مخفی‌کاری را به‌شدت رعایت می‌کردند، علاوه بر آن فرقه ترکیبی از ترور و

همکاری با مجلس شورای ملی را در پیش گرفت. مجموعه این عوامل باعث شده است که اطلاعات اندکی از این حزب و اعضای آن در دسترس باشد و درباره آنان گمانه‌زنی بیشتر از اسناد قابل اعتماد باشد.

در جریان پیروزی نهضت مشروطیت ضرورت ایجاد دگرگونی در میان اقشار و طبقات مختلف پذیرفته شده بود. به عبارت دیگر، جنبش مشروطه‌خواهی مردمانی با زمینه‌ها و گرایش‌های گوناگون اقتصادی، اجتماعی، باورهای مذهبی، و ایدئولوژی‌های مختلف را به صورتی منحصربه‌فرد گرد آورده بود. به همین دلیل، با تمرکز بر هر یک از این گروه‌ها جنبه‌ای از آن جنبش به تصویر کشیده می‌شود و لایه‌ای از آن نهضت معرفی می‌شود. با توجه به این نکته، تحقیق درباره اجتماع‌های عامیون اهمیت ویژه‌ای دارد. برخی از محققان بر این باورند که سررشته امور را سوسیال دموکرات‌های قفقاز در دست داشتند و در نهم پیش می‌بردند. محققان دیگری بر این باورند که انقلابیونی که از باکو وارد ایران می‌شدند «همه آن‌ها قفقازی و تبعه روس نبودند، بلکه ایرانیانی بودند که به سبک قفقازی لباس می‌پوشیدند و به آسانی نمی‌شد تشخیص داد که کدام ایرانی و کدام قفقازی هستند» (همان: ۶۶).

فکر دموکراسی اجتماعی در نهضت مشروطیت ایران نوشته فریدون آدمیت (۱۳۸۷) را می‌توان نخستین پژوهش مفصل در این زمینه دانست. پیشینه‌های اقتصادی - اجتماعی جنبش مشروطیت و انکشاف سوسیال دموکراسی در آن عهد، نوشته خسرو شاکری (۱۳۸۴) از دیدگاهی دیگر به مطالعه کیفیت پیدایش گرایش سوسیال دموکراتیک در دوره مشروطه می‌پردازد. پژوهش منصوره اتحادیه (نظام مافی) (۱۳۶۱) با عنوان «پیدایش و تحول احزاب سیاسی مشروطیت» یکی از پژوهش‌های متقدم درباره احزاب سیاسی در دوره مشروطیت به شمار می‌آید که به بررسی چگونگی پیدایی و تحول گروه‌های مخفی و احزاب سیاسی در دو دوره مجلس اول و دوم شورای ملی می‌پردازد و در این میان به اجتماع‌های عامیون نیز پرداخته شده است. ماشالله آجودانی در مشروطه ایرانی دیدگاه دیگری دارد. او بر این باور است که مشروطه و مشروطه‌خواهان به اهداف خود دست نیافتند و یکی از دلایل آن ناکامی، خشونت، و تروریسم ناشی از اعمال سوسیال دموکرات‌ها و اجتماع‌های عامیون است (آجودانی، ۱۳۸۲: ۴۲۲، ۴۳۳). در نهایت سهراب یزدانی (۱۳۹۱) از منظری متفاوت با نوشته‌های ذکر شده، با تمرکز انحصاری بر «فرقه اجتماع‌های عامیون» به پژوهش درباره این گروه مشروطه‌خواه پرداخته است و بر فقدان وابستگی این فرقه به سازمان همت و حزب سوسیال دموکرات قفقاز تأکید می‌کند. از این جنبه کتاب اجتماع‌های عامیون پژوهشی منحصر به فرد است.

۲. معرفی کلی کتاب

اجتماعیون عامیون تألیف سهراب یزدانی (۱۳۹۱)^۱ به چگونگی شکل‌گیری، بررسی افکار، و اعمال این گروه و سرانجام آن در ایران می‌پردازد. مؤلف در پیش‌گفتاری کوتاه و برانگیزنده به آگاهی‌هایی که از اجتماعیون عامیون وجود دارد و در حکم داده‌هایی درست تلقی می‌شوند اشاره می‌کند. سپس یزدانی شک محققانه خود را درباره این «پذیرفته‌شده‌ها» بیان می‌کند. «بازخوانی منابع مربوط به اجتماعیون» مؤلف را به این باور رهنمون می‌شود که «داوری‌های سرسری، جعل و تحریف‌ها، و غفلت‌های عمدی یا زودباورانه، بر تاریخ این فرقه سایه انداخته است» (ص ۸). یزدانی در کتاب خود و در ۹ فصل به بررسی آن غفلت‌ها و جعل و تحریف‌ها پرداخته است. این جمله‌های کوتاه و قاطع در واقع چکیده‌ای استثنایی از متن به شمار می‌آید. کم‌تر می‌توان تردید داشت که خواننده آشنا با تاریخ معاصر ایران، به‌ویژه دوره مشروطیت، پس از خواندن آن جملات و ملاحظه سازمان‌دهی (فصل‌بندی) کتاب، بتواند بر شوق خواندن کتاب غلبه و کتاب را ناخوانده رها کند.

فصل اول اجتماعیون عامیون «تاریخ‌پردازی فرقه اجتماعیون عامیون» نام گرفته است و در واقع ره‌یافت نویسنده است. در این فصل مؤلف به بررسی آثار مورخانی می‌پردازد که درباره شکل‌گیری اجتماعیون عامیون روایت‌هایی ارائه داده‌اند. هدف فصل اول ارائه دلایلی است که آن روایت‌ها را به داورهای سرسری، جعل، تحریف، و غفلت‌های عمدی یا زودباورانه تبدیل کرده است.

«سازمان‌های انقلابی روسیه» عنوان فصل دوم کتاب است. هدف این فصل تأکید بر تفاوت‌های فرقه اجتماعیون عامیون با جنبش سوسیالیستی روسیه است (ص ۹). یزدانی برای رسیدن به این هدف چگونگی شکل‌گیری جنبش سوسیال دموکراسی در روسیه را بررسی می‌کند.

فصل سوم با عنوان «صحنه قفقاز» ادامه منطقی دو فصل قبلی است. بر اساس نوشته یزدانی قفقاز «چشم و چراغ صنعتی منطقه» (ص ۹) بود و سازمان همت و فرقه اجتماعیون عامیون در آن محیط شکل گرفته بودند. فصل سوم با تشریح اقتصاد سیاسی منطقه قفقاز و توصیف محیط صنعتی و «پرتب و تاب باکو» خواننده را با علل جنبش اجتماعی و حرکت‌های اعتصابی در آن منطقه آشنا می‌کند.

فصل چهارم چگونگی تشکیل فرقه اجتماعیون را توضیح می‌دهد. یزدانی چگونگی شکل‌گیری فرقه را این‌گونه شرح می‌دهد که این فرقه در میان ایرانیان مهاجر و مقیم قفقاز

تشکیل شد. بررسی شرایط اقتصادی کارگران ایرانی و موقعیت آن‌ها در میان کارگران قفقاز و منطقه باکو زمینه‌های شکل‌گیری آن فرقه را آشکار می‌کند. ایرانیان به‌رغم نداشتن «آگاهی طبقاتی» و سوء استفاده کارفرمایان از آنان به‌صورت «اعتصاب‌شکن» (ص ۱۰۵) در نهایت به جنبش کارگری منطقه پیوستند و در اعتصاب کارگری دسامبر ۱۹۰۴ شرکت و خواسته‌هایشان را پی‌گیری کردند (ص ۱۰۶). علل تشکیل فرقه در صفحه‌های ۱۱۴ تا ۱۱۶ بیان شده است.

فصل پنجم با عنوان «گستره ایران» به گسترش فرقه اجتماعیون عامیون در ایران از طریق ایجاد شعبه در مناطقی مانند تهران، آذربایجان، و گیلان می‌پردازد. درباره شعبه تهران با بررسی منتقدانه شرح حال و اقدام‌های حیدر عمواوغلی بحث و بررسی می‌شود (ص ۱۲۸-۱۴۴). در اجتماعیون عامیون می‌خوانیم که شعبه تبریز در نتیجه «چشم و هم‌چشمی» و رقابت «چند آزادی‌خواه تبریزی، که می‌خواستند به فعالیت سیاسی بپردازند»، با اجتماعیون قفقازی، که به ایران آمده بودند، تشکیل شد (ص ۱۵۰). یزدانی ادامه می‌دهد: «چگونگی تشکیل شعبه رشت چندان روشن نیست». سپس دلایلش را می‌آورد که به گفته رابینو نماینده اجتماعیون قفقاز از باکو به رشت آمد و شعبه سازمان خود را تشکیل داد. گزارش وزیرمختار انگلیس، اسپرینگ رایس، همین خبر را نقل می‌کند (ص ۱۵۲). شعبه انزلی به‌دست بابایف، نماینده اجتماعیون قفقاز، تأسیس شد (ص ۱۵۷). اجتماعیون رشت روابطش با قفقاز را کم و بیش حفظ کردند، اما اجازه ندادند که به شعبه قفقاز تبدیل شوند. به همین ترتیب، شعبه انزلی مداخله اجتماعیون قفقاز را ناروا می‌دانست. به همین علت به مرکز باکو اطلاع دادند که دیگر از آن پیروی نمی‌کنند (ص ۱۵۸). به این ترتیب، سهراب یزدانی تا حد امکان با ارائه دلایل و اسناد بر وابستگی اجتماعیون عامیون به مرکز باکو و حزب سوسیال دموکرات روسیه تردید می‌کند.

فصل ششم به «برنامه و ساختار فرقه اجتماعیون عامیون» اختصاص یافته است. اساس‌نامه مشهود سندی است که به آن استناد می‌شود تا نشان داده شود که برنامه (مرام‌نامه) و ساختار تشکیلاتی فرقه تا چه اندازه تحت تأثیر احزاب سیاسی روسیه و قفقاز تنظیم شده بود.

فصل هفتم «بنیادهای اندیشه»ی اجتماعیون عامیون را بررسی می‌کند. این فصل با استناد به سخنان چند واعظ و روزنامه، که منسوب به اجتماعیون بودند، ریشه‌های اندیشه‌های آنان و میزان تأثیرپذیری آنان از جریان‌های سوسیالیستی را بررسی کرده است.

فصل هشتم به بررسی اقدامات و شیوه عمل اجتماعیون عامیون اختصاص یافته است و «پیکار سیاسی» نام دارد. یزدانی تأکید می‌کند که اجتماعیون «در جامعه‌ای تک‌پو می‌کردند که

تجربه فعالیت آزاد سیاسی نیندوخته بود. می‌خواستند با توده‌هایی ارتباط برقرار کنند که از شدت ستم به تنگ آمده بودند، اما در ناآگاهی غوطه می‌خوردند. رویاروی دولت، مردانی قرار داشتند که می‌کوشیدند اوضاع گذشته را بازسازی کنند» (ص ۲۲۸). آنان در چنین شرایطی اصول پنهان‌کاری را در پیش گرفتند. در مواردی اقدامات آنان ماهیت توطئه‌آمیز داشت و به خشونت سیاسی دست زدند؛ در عین حال از فعالیت قانونی هم غافل نماندند (همان). نتیجه این فصل آن است که نمی‌توان و نباید سرنوشت مشروطیت و انحلال مجلس و حوادث بعدی را یک‌سره به اقدامات خشونت‌بار اجتماعیون عامیون نسبت داد. فصل نهم «سرنوشت اجتماعیون» را بیان می‌کند. تعطیلی مجلس اول، دستگیری، اعدام، فرار، و تبعید سرنوشت کلی مشروطه‌خواهان بود. استقرار استبداد صغیر و حوادث پس از آن به انحلال چند شعبه و جدا شدن چند شعبه از هم منجر شد. شعبه‌هایی هم خود را با موقعیت جدید هم‌ساز کردند. تشکیل مجلس دوم پایان کار فرقه بود. به این ترتیب، سهراب یزدانی نتیجه می‌گیرد که اجتماعیون عامیون سازمانی بود که «به‌طور کلی خواهان پیشرفت کشور، برقراری عدالت اجتماعی، و بهبود زندگی قشرهای تنگ‌دست» بود (ص ۲۸۴).

۳. تحلیل و ارزیابی شکلی

هر نوشته‌ای را می‌توان از دو جنبه شکلی و محتوایی نقد کرد. جنبه شکلی شامل رعایت ساختار پژوهش‌های علمی و رعایت آیین نگارش و مواردی از این قبیل است. زمانی که نوشته‌ای به صورت کتاب در معرض دید همگان قرار می‌گیرد، علاوه بر موارد نگارشی و پژوهشی موارد دیگری نیز باید رعایت شود. برای مثال مسائلی مانند طراحی جلد، عنوان، و قطع کتاب نیز به میان می‌آید. به عبارت دیگر، محتوای کتاب به کالایی تبدیل می‌شود که در بسته‌بندی خاصی به بازار عرضه شده است. موارد ذکرشده به‌ویژه برای خوانندگان غیرمتخصص اهمیت می‌یابد.

۱.۳ ارزیابی شکلی

اجتماعیون عامیون یکی از آثار بسیار خوب در حوزه مشروطیت به شمار می‌رود. این کتاب از حیث شکل و نوع چاپ برجستگی‌هایی دارد. طراحی پشت جلد به گونه‌ای است که نگاه بیننده بر عنوان کتاب ثابت می‌ماند. زمینه نقطه‌چین و نشستن عنوان در وسط صفحه القاکننده معنادار شدن و یا متفاوت شدن در حوزه‌ای یک شکل اما منظم است.

معرفی اجمالی محتوای کتاب در پشت جلد دقیق و جذاب است. قطع مناسب (رقعی) و انتخاب قلم و اندازه مناسب حروف امتیاز دیگر این کتاب است. فهرست مطالب گویاست و گزیده منابع و نمایه از امتیازات دیگر کتاب به شمار می‌آید. فهرست مطالب به خواننده آگاهی‌های کلی و متناسب با محتوای کتاب می‌دهد. تعداد صفحات هر فصل (حجم هر فصل) خواننده را به تأکیدات مؤلف ارجاع می‌دهد. برای مثال، با در نظر گرفتن حجم هر فصل می‌توان حدس زد که بیش‌ترین تأکید مؤلف بر فصل هشتم با عنوان «پیکار سیاسی» است که ۶۶ صفحه است. «پیش‌گفتار» یکی دیگر از برجستگی‌های اجتماع‌یون عامیون است. مؤلف در پنج صفحه موفق شده است تمامی اطلاعات لازم و اولیه را به خواننده ارائه دهد و از همکارانش تقدیر و تشکر کند. پاراگراف اول پیش‌گفتار تخصص مؤلف را در زمینه‌ای که اقدام به پژوهش کرده است بیان می‌کند. پاراگراف دوم با جملاتی مانند: «بازخوانی منابع مربوط به اجتماع‌یون قانعم کرد که داوری‌های سراسری، جعل و تحریف‌ها، و غفلت‌های عمدی یا زودباورانه بر تاریخ این فرقه سایه انداخته است»، شک محققانه مؤلف و شوق خواندن کتاب را در خواننده برمی‌انگیزد. مطالعه سازمان‌دهی کتاب بخش بعدی پیش‌گفتار است که به گونه‌ای ارائه شده است که آن شوق برانگیخته‌شده را به اراده خواندن اثر تبدیل می‌کند. علاوه بر همه این‌ها ویرایش تقریباً بدون اشکال و نداشتن اغلاط تایپی (به جز چند مورد معدود) ویژگی برجسته دیگر این کتاب به شمار می‌آید. واقعیت آن است که در سال‌های اخیر کم‌تر کتابی در زمینه‌های تخصصی با چنین ویژگی‌هایی به چاپ سپرده شده است.

به‌رغم نکات مثبت از لحاظ شکلی مواردی به چشم می‌آید که برطرف کردنشان بر جذابیت کتاب می‌افزاید. نخست آن‌که چنان‌چه کتاب به دو بهره تقسیم می‌شد، مقصود مؤلف آشکارتر می‌شد. بهره نخست با عنوان «زمینه‌های پیدایش» می‌توانست دربرگیرنده فصل‌های یکم تا چهارم باشد و بهره دوم با عنوان «پیدایش و سرانجام» فصل‌های پنجم تا نهم را شامل شود. اما در وضعیت کنونی عنوان فصل اول بیش‌تر جنبه ایجابی را به ذهن متبادر می‌کند و «تاریخ‌پردازی» هرچند می‌تواند بیانگر دیدگاه سلبی مؤلف باشد، اما خواننده‌ای که خلاصه پشت جلد را نخوانده باشد احتمالاً کم‌تر به این جنبه توجه خواهد کرد. عناوین فصل‌های دوم تا چهارم نیز چندان با هدف فصل‌ها هماهنگ نیستند. به‌نظر می‌رسد عنوان فصل پنجم نیز می‌توانست با افزوده شدن کلماتی با هدف فصل هم‌خوان‌تر باشد. برای مثال، احتمالاً تغییر عنوان فصل مذکور به «گسترش سازمان اجتماع‌یون در ایران» از عنوانی که مؤلف در معرفی فصل پنجم استفاده کرده است گویاتر باشد.

۴. ارزیابی محتوایی

پژوهش علمی و آکادمیک در تاریخ معاصر ایران، به‌ویژه دوران مشروطه، سابقه‌ای طولانی ندارد. بازنویسی تاریخ معاصر ایران، بدون افتادن به دام نظریه توطئه، با اغراض بیگانگان و بهره‌گیری از آگاهی‌هایی که آنان مدعی ارائه‌اند آمیخته شده است. به همین دلیل، وجود تعبیر گوناگون و تفسیرهای گاه ضد و نقیض کار پژوهشگر را با دشواری مواجه و تشخیص سره از ناسره را سخت می‌کند. این دشواری درباره گروه‌های سیاسی و احزاب بیش‌تر است. اجتماعیون عامیون در همین مقوله قرار می‌گیرد. اجتماعیون عامیون حزبی مخفی بود و به همین دلیل اسناد و مدارک مربوط به آن‌ها اندک است و همین منابع اندک نیز آمیخته به مسائل و نظرهای شخصی، تمجید، و یا نیش و طعنه‌هایی است که مستلزم دقت نظر پژوهنده است. از طرف دیگر، اجتماعیون عامیون نخستین حزب ایرانی بود که با شیوه مدرن تشکیل شده بود و ساختار و برنامه و دستور کار مشخصی داشت. این ویژگی تصور پیوند منسجم میان اعضا، داشتن پایگاه مشخص اجتماعی، و برخورداری از برنامه‌ای روشن را به دنبال دارد. هم‌چنین این شائبه را دامن می‌زند که اجتماعیون عامیون شاخه‌ای از حزب سوسیال دموکرات روسیه و وابسته به جناح بلشویک آن بوده است. به این ترتیب، اجتماعیون را باید در بستر اجتماعی، که در آن فعالیت می‌کردند، بررسی کرد. به باور برایان فی، فهم پدیده‌های اجتماعی مستلزم چیزی بیش از دانستن این نکته است که آن‌ها چه معنایی دارند (فی، ۱۳۸۱: ۲۱۲)؛ ما باید این را هم بدانیم که آن‌ها چرا اتفاق می‌افتند؟ گی روشه به نقل از آلن تورن، موجودیت جنبش‌های اجتماعی را مبتنی بر اصول سه‌گانه هویت، ضدیت، و همگانی بودن (روش، ۱۳۷۴: ۱۶۶-۱۶۷) می‌داند. با توجه به این نکات، پژوهش درباره اجتماعیون عامیون دشوار است. سهراب یزدانی به‌خوبی بر این دشواری آگاه بوده و برای فائق آمدن بر آن تلاش ارزنده‌ای کرده است.

۱.۴ امتیازهای اجتماعیون عامیون

تعداد کتاب‌هایی که مستقلاً به بررسی هریک از گروه‌ها، انجمن‌ها، و احزاب سیاسی ایران در دوران نهضت مشروطیت و سال‌های پس از پیروزی آن پرداخته‌اند زیاد نیست. هنوز منابعی مانند کتاب‌های یحیی دولت‌آبادی (۱۳۷۱)، ناظم‌الاسلام کرمانی (۱۳۶۲)، احمد کسروی (۱۳۸۲)، فریدون آدمیت (۱۳۸۷)، منصوره اتحادیه (نظام مافی) (۱۳۶۱)، ماشاالله آجودانی (۱۳۸۲) و خسرو شاکری (۱۳۸۴) مراجع تقریباً انحصاری پژوهش در این زمینه

به شمار می‌آیند. از این جنبه/اجتماعیون عامیون منبعی ارزشمند است. همان‌گونه که قبلاً بیان شد، مؤلف کار خود را با نقد آثار متقدم آغاز کرده است. به عبارت دیگر، پیشینه تحقیق نوآوری مؤلف را تأیید می‌کند و پرسش و فرضیه او را در جایگاه پژوهشی علمی و غیرتکراری می‌نشانند. پرسش و فرضیه این اثر از تخصص مؤلف و دقت او در زمینه پژوهش نشان دارد. آزمون فرضیه با روش تاریخی (go and ask) انجام شده است. سهراب یزدانی در نقد پژوهش‌های قبلی مبنی بر ناکافی بودنشان و نشان دادن ضرورت انجام پژوهشی جدید سه دلیل ارائه می‌دهد: نخستین دلیل او برای اثبات نظراتش آگاهی‌های پراکنده و اندک درباره فرقه اجتماعیون عامیون است. «این فرقه به‌طور پنهانی فعالیت می‌کرد؛ بنابراین اطلاعات مربوط به نحوه تشکیل، شبکه‌ها و ارتباط‌های سازمانی، رهبران و گردانندگان آن به بیرون درز نکرد» (ص ۱۴). در *اجتماعیون عامیون* آثاری مانند نوشته‌های مأموران سیاسی دولت‌های روسیه و انگلیس (همان)، ناظم‌الاسلام کرمانی و *تاریخ بیداری ایرانیان* (ص ۱۴ و ۱۵)، ادوارد براون و *انقلاب مشروطیت ایران* (ص ۱۵)، سیداحمد کسروی تبریزی و *تاریخ هجده‌ساله آذربایجان و تاریخ مشروطه ایران* (ص ۱۵-۱۷) از این دسته به شمار آمده‌اند. دلیل دوم مؤلف *اجتماعیون عامیون* با تحولات سیاسی اتحاد جماهیر شوروی گره خورده است. یزدانی می‌نویسد که در کنگره نهم حزب کمونیست گرجستان در ۱۹۳۵، بریا، دبیر اول حزب کمونیست گرجستان (رئیس پلیس مخفی شوروی) نخستین گام سرنوشت‌ساز در جایگزینی دیدگاه رسمی و فرمایشی با هر گونه پژوهش تاریخی بر پایه اسناد و مدارک معتبر را برداشت (ص ۱۷-۲۰). ایوانف و *انقلاب مشروطیت ایران* (ص ۲۰-۲۱)، آروتونیان و *انقلاب ایران و بلشویک‌های ماورای قفقاز* (ص ۲۲) از این دسته آثار شمرده می‌شوند. سومین دلیل یزدانی آن است که تاریخ‌نویسی بر پایه آثار مورخانی که با دیدگاه فرمایشی و رسمی روسی نوشته شده بودند ادامه یافت و «چند مورخ ایرانی، که خواستند با آن سنت درآویزند، در عمل نتوانستند راه مستقلی در پیش بگیرند و گرفتار همان سنت شدند» (ص ۲۶)؛ فریدون آدمیت از آن جمله است. به باور یزدانی، آگاهی آدمیت درباره فرقه اجتماعیون عامیون در *فکر آزادی* و مقدمه نهضت مشروطیت «دامنه چندانی ندارد» (ص ۲۶)، ولی در *فکر دموکراسی اجتماعی در نهضت مشروطیت ایران* «آگاه‌تر از پیش قلم می‌گرداند» (ص ۲۶). یزدانی تصریح می‌کند که کتاب آدمیت «درباره احزاب روسیه و اجتماعیون ایرانی بدون اشتباه تاریخی نیست» (ص ۲۷). افزون بر این، آدمیت در *مجلس اول و بحران آزادی* مطالبی نقل می‌کند که فاقد منبع است (ص ۲۷-۲۸) و درباره تأثیر اجتماعیون عامیون در «ویرانی مجلس» نوشته‌های آدمیت و ماشالله آجودانی در

مشروطه/ایرانی «از سر بی دقتی علمی است» (ص ۲۹) و «به این ترتیب، آدمیت نمی‌تواند از چهارچوب تاریخ‌نگاری استالینی بیرون بیاید» (ص ۳۰). یزدانی داوری‌های خود را چنین ادامه می‌دهد: خسرو شاکری، که «با نظری هوشمندانه» کار پژوهشی‌اش را آغاز می‌کند، در قضاوت درباره سوسیالیسم عاریتی اجتماعیون عامیون، به همان سنتی بازمی‌گردد «که خود او آثار تحریف‌کننده‌اش را نکوهیده بود» (ص ۳۶)؛ بنابراین اگرچه «شاکری شالوده‌کارش را درست نهاده، اما به راهی نادرست رفته است» (ص ۳۹). به این ترتیب، بررسی دقیق و موشکافانه منابع و اسناد، که گاه تا مرز نکته‌گیری پیش می‌رود، در راستای متقاعد کردن خواننده انجام شده است و یزدانی در این کار موفق بوده است. برای مثال، کاربرد عباراتی مانند «کمونیسم روسی» و «کمونیست‌های قفقازی» درباره حیدرخان عمواوغلی و سوسیال دموکرات‌های ایران در نوشته فریدون آدمیت را نشان از بی‌توجهی او به کاربرد تاریخی اصطلاح کمونیست می‌داند (ص ۲۸).

سهراب یزدانی کتاب خود را با هدف اثبات استقلال حزب اجتماعیون عامیون از حزب سوسیال دموکرات روس نوشته است. او برای رسیدن به هدفش نخست به طرح مسئله می‌پردازد و می‌نویسد:

حزب سوسیال دموکرات روسیه به منظور کار سیاسی در میان کارگران مسلمان قفقاز، سازمان همت را به‌وجود آورد. همت به نوبه خود فرقه اجتماعیون عامیون را در قفقاز بنیان نهاد ... فرض می‌شد که فرقه اجتماعیون از طریق سازمان همت با سوسیال دموکراسی روسیه و به‌طور خاص با جناح بلشویک پیوند داشته و در حقیقت شاخه‌ای از آن بوده است (ص ۷).

در این جا باید این نکته را، که منصوره اتحادیه تذکر می‌دهد، یادآوری کرد که اگرچه «حزب همت توسط عده‌ای از رهبران بلشویک محلی، از جمله استالین، عزیز بیکف، و زاپارادزه تشکیل شد و در اوایل تحت نفوذ بلشویک‌ها ... قرار داشت، ولی رهبری بلشویک‌ها چندان به طول نینجامید و گروه منشویک، که نسبتاً میانه‌روتر بودند، مسلط شدند» (اتحادیه، ۱۳۶۱: ۶۶). سپس یزدانی به تشریح چگونگی شکل‌گیری جنبش سوسیال دموکراسی در روسیه می‌پردازد و می‌نویسد: جنبش چپ‌گرای روسیه به‌صورت «نارودنیسم» (پوپولیسم) پدیدار شد که در اروپای غربی همانند نداشت و ساختار اجتماعی روسیه آن را پرورده بود (ص ۴۱). نگرش نارودنیسم از میان اندیشه‌ها و آرمان‌های روشنفکران روسی، که در دهه ۴۰ قرن نوزدهم رستگاری جامعه خود را در عناصر «میر» و «ابشچینا» یافته بودند (ص ۴۲)، در اواخر دهه ۶۰ قرن نوزدهم سر برآورد. «این نگرش بر

چند باور استوار بود: انقلاب در روسیه پرهیزناپذیر است؛ انقلاب "سوسیالیستی" خواهد بود؛ پایگاه آن را جامعه (کمون) روستایی تشکیل خواهد داد؛ نیروی محرک انقلاب را "مردم" می‌سازند و مقصود از مردم "دهقانان" بودند» (ص ۴۴). با شکست ناامیدکننده نخستین اقدام نارودنیست‌ها در سال ۱۸۷۴، آنان به ایجاد سازمان و تشکیلات زیرزمینی و منضبط معتقد شدند و گام نخست برای سرآسیمه کردن حاکمیت و ایجاد پراکندگی در آن را ترور دانستند (ص ۴۵). یزدانی در ادامه می‌نویسد که اعضای این گروه «نخستین سازمان سرایا تروریستی روسیه» (ص ۴۵) را ایجاد کردند و در ۱۸۸۱ تزار الکساندر دوم را ترور کردند، اما هیچ تغییری در جامعه روسیه و نظام حاکم بر آن به وجود نیامد. «شکست حرکت تروریستی راه را برای اندیشه مارکسیستی هموار کرد» (ص ۴۶). گئورگی پلخانف، ورا زاسولیچ، و اکسلرود نخستین گروه سوسیال دموکرات روس را در ۱۸۸۲ در ژنو تشکیل دادند (ص ۴۵). به این ترتیب، دومین گرایش چپ‌گرا در روسیه ایجاد شد که با گرایش پوپولیستی (نارودنیسم) متفاوت بود. گروه سوسیال دموکرات، که به سرعت به مارکسیسم گرایش یافت، هم در تحلیل جامعه روسیه و هم بر سر شیوه مبارزه با نارودنیکی‌ها اختلافاتی بنیادین داشت. سوسیال دموکرات‌ها در کنگره دوم حزب، که در ۱۹۰۳ در بروکسل تشکیل شد، به دو جناح بلشویک (اکثریت) به رهبری لنین و منشویک (اقلیت) به رهبری مارتف و سپس پلخانف (ص ۵۰-۵۱) تقسیم شد. هم‌زمان نارودنیست‌ها نیز در ۱۹۰۲ حزب سوسیالیست‌های انقلابی (اس.آر.) را تشکیل دادند. به این ترتیب، دو حزب سوسیال دموکرات و سوسیالیست‌های انقلابی در صحنه سیاسی روسیه فعال شدند که تفاوت‌هایی بنیادی با یک‌دیگر داشتند. فصل دوم با طرح مباحث ذکر شده مقدمات لازم برای ورود به بحث اصلی، یعنی ایجاد سازمان همت و فرقه اجتماعیون عامیون در قفقاز را فراهم کرده است. سهراب یزدانی با اطلاعاتی که به خواننده می‌دهد اشتیاق بیش‌تر دانستن را در او شعله‌ورتر می‌کند. او در بحثی محققانه به این نکته می‌پردازد که چرا سوسیال دموکرات‌های روسی به ایرانیان مقیم و مهاجر منطقه قفقاز و باکو توجه کردند و اصولاً مسلمانان آن منطقه چه اهمیتی برای سوسیال دموکرات‌های روسی داشتند و سرانجام این‌که ایرانیان چگونه حزب اجتماعیون عامیون را تشکیل دادند. او می‌نویسد: «به داوری دو مورخ فرانسوی، باکو تنها منطقه جهان، در اوایل سده بیستم، بود که کارگران صنعتی مسلمان آن می‌توانستند به آگاهی طبقاتی دست یابند» (ص ۷۱). بحران اقتصادی اواخر قرن نوزدهم در کشورهای سرمایه‌داری بر صنعت نفت باکو تأثیر گذاشت. «در ژوئن [۱۹۰۳] اعتصاب عمومی باکو را فراگرفت ... پلیس معتقد بود که آن جنبش ماهیت سیاسی

داشته است و سوسیال دموکرات‌ها به راهش انداخته‌اند» (ص ۷۲). در این میان «یکی از دشواری‌های بزرگ بر سر راه سوسیال دموکرات‌های قفقاز، سازمان‌دهی کارگران مسلمان بود» (ص ۷۶). دلایل این دشواری از سویی به نوع نگرش مسلمانان و رهبران برجسته جامعه مسلمانان به نسبت سوسیال دموکرات‌ها مربوط بود و از سوی دیگر به سازمان صنعتی کارگران مربوط می‌شد که در میدان‌های نفتی فعالیت می‌کردند و «کارگران نفت را از اندیشه سوسیال دموکراسی دور می‌کرد» (ص ۷۸). در نهایت «ندانستن زبان ترکی یا فارسی» سوسیال دموکرات‌ها را از برقراری ارتباط با کارگران بومی ناتوان می‌کرد. «در چنین وضعی، پای سازمان همت به میان آمد» (ص ۷۹). سازمان همت ظاهراً با تصمیم انفرادی چند عضو سوسیال دموکرات باکو در سال ۱۹۰۳ تشکیل شد (ص ۷۹) و در اواخر ۱۹۰۴/دی ۱۲۸۳ زندگی سیاسی‌اش را آغاز کرد (ص ۸۰). سازمان همت از لحاظ دیدگاه با سوسیال دموکرات‌ها اختلاف داشت (ص ۸۳-۸۷) و رابطه سازمانی آن با حزب سوسیال دموکرات نیز دقیقاً مشخص نیست (ص ۸۸-۹۲) و سرانجام درباره دلایل ایرانیان برای تأسیس حزب اجتماعیون عامیون می‌نویسد که نخستین علت «توضیح معمول» است. از این دیدگاه، انگیزه‌های اقتصادی نگرانی اصلی کارگران مهاجر ایرانی دانسته می‌شود. سطح نازل آگاهی، پرهیز از عضویت در اتحادیه‌های کارگری، و آلت دست سرمایه‌داران بودن «فعالان سیاسی و رهبران جنبش کارگری منطقه» را بر ضرورت تبلیغ سیاسی، سازمان‌دهی، و همراه‌سازی کارگران ایرانی با کارگران ملیت‌های دیگر آگاه کرد (ص ۱۱۴). به باور یزدانی علت دوم همان است که کسروی بیان کرده است. از این منظر ایرانیان قفقاز تحت تأثیر روس‌ها، ارمنی‌ها، گرجی‌ها، و دیگران، که هریک «دسته (حزب و سازمانی) داشتند ... دسته‌ای پدید آوردند تا از هم‌میهنان خود ننگه‌داری کنند» (ص ۱۱۴-۱۱۵). مؤلف اجتماعیون عامیون علت دوم را در تشکیل فرقه اجتماعیون عامیون مؤثرتر می‌داند. پذیرش این دلیل با هدف کتاب هماهنگ است و در واقع نفی وابستگی این فرقه به حزب سوسیال دموکرات روسیه و به‌ویژه بلشویک‌هاست. یزدانی می‌نویسد که اعضای فرقه اجتماعیون عامیون کارگران، روشنفکران، خرده‌بورژوازی، دکان‌داران و ... بودند که نشان می‌دهد «مشکل بتوان نتیجه گرفت که فرقه اجتماعیون عامیون یک سازمان پرولتری بوده باشد» (ص ۱۲۱).

سهراب یزدانی درباره «برنامه باکو» و این‌که «تنظیم‌کنندگان آن را لزوماً مرام‌نامه (یا برنامه) فرقه نمی‌دیدند» (ص ۱۶۵) چهار دلیل برمی‌شمارد که اثبات کند آن برنامه «به معنای دقیق کلمه برنامه این فرقه نبود» (ص ۱۶۶). توصیف‌های دقیق و شرح مبسوط چگونگی شکل‌گیری فرقه، اندیشه اجتماعیون عامیون (فصول چهارم و هفتم) به نیازهای تاریخی و

برخی ابهامات خواننده پاسخ قانع کننده می دهند. بازخوانی منابع مربوط به رهبران و تأسیس شعبه های فرقه در ایران و سازمان آن ها خواننده را به خوبی با فضای حاکم بر فرقه آشنا می کند و خواننده درمی یابد که «ایرانیان برای نخستین بار فوت و فن تشکیل حزب سیاسی را می آموزند و در این راه دچار سردرگمی و ندانم کاری بودند؛ بنابراین در نیمه راه ایجاد حزب سیاسی انقلابی ماندند» (ص ۱۶۱). تحلیل مؤلف/اجتماعیون عامیون از رابطه میان اقدامات فرقه اجتماعیون عامیون با سرنوشت مجلس و مشروطیت در تقابل با تحلیل فریدون آدمیت و ماشاالله آجودانی قرار دارد. آدمیت اقدامات خشونت بار اجتماعیون عامیون را از دلایل اصلی ویرانی مجلس اول دانسته است (آدمیت، ۱۳۷۰: ۲۸۵) و آجودانی نیز هماهنگ با آدمیت اجتماعیون عامیون را متهم می کند که اندیشه ترور سیاسی و تروریسم را به جریان نهضت مشروطیت وارد کرده اند (آجودانی، ۱۳۸۲: ۴۳۱). مؤلف/اجتماعیون عامیون در پایان فصل هشتم کتاب و با تکیه بر آنچه قبلاً مستدل کرده است، چشم انداز واقع بینانه تری ارائه می کند:

... حتی اگر هیچ عمل خشونت باری هم انجام نمی گرفت، نیروهای کهن جامعه هم چنان بر امتیازهای خود پا می فشردند. نه اتابک در برابر نظام جدید سیاسی سر خم می کرد و به نظارت مجلس بر قوه مجریه تن می داد، نه محمدعلی شاه زیر بار تقسیم قدرت مطلق خود می رفت یا به صورت فرمانروای قانونی درمی آمد (ص ۲۷۳).

در مجموع از مباحث کتاب می توان نتیجه گرفت که اجتماعیون عامیون به رغم روابطی که با سازمان همت و حزب سوسیال دموکرات قفقاز داشتند حزبی غیروابسته بود.

۲.۴ نقد و ارزیابی محتوایی

محور اجتماعیون عامیون تأکید بر استقلال گروه اجتماعیون عامیون از حزب سوسیال دموکرات روسیه است. ارزیابی محتوایی کتاب را هم به همین موضوع اختصاص می دهیم. آنچه یزدانی برای آزمون فرضیه خود به آن استناد می کند کمک چندانی به اثبات درستی فرضیه او نمی کند و وابستگی و عامل بودن یا استقلال اجتماعیون عامیون از حزب سوسیال دموکرات روسیه هم چنان در ابهام باقی می ماند.

یزدانی در نتیجه گیری اندکی عجول است و به این نکات توجه نمی کند که سوسیال دموکراسی روسیه جنبشی نوظهور بود که در ارتباط با سوسیالیسم های غیرمارکسیستی و دهقانی شکل گرفته بود (فرو، ۱۳۵۳: ۳-۵). گروه «آزادی کار»، که به رهبری پلخانف در

سال ۱۸۸۲ تشکیل شد، و به گفته یزدانی «نخستین گروه سوسیال دموکرات روس» (ص ۴۶) بود، تحت تأثیر فکری سوسیال دموکراسی اروپا به ویژه آلمان قرار داشت. ارتباط میان احزاب سوسیال دموکرات از طریق بین الملل کمونیستی برقرار می شد. بین الملل کمونیستی به روش های سیاسی مشترک و مبارزه با انحرافات تئوریک می پرداخت و جمع بندی بین الملل کمونیستی وجه مشترک سوسیال دموکرات ها به شمار می آمد (بشیریه، ۱۳۸۳: ۳۸-۴۰). یزدانی آن جا که از فقدان برنامه اجتماعیون عامیون و ترجمه شتاب زده برنامه باکو و حذف بندهایی از آن برنامه (ص ۱۶۵) سخن می گوید و آن را نشانه ای بر وابسته نبودن می گیرد، گویا ارتباط سوسیال دموکرات ها و بین الملل کمونیستی را از خاطر برده است. به عبارت دقیق تر، در فضای فکری و عملی سوسیال دموکرات ها چندان دور از انتظار نخواهد بود که گروه کوچکی از سوسیال دموکرات های ایرانی برنامه احزاب بزرگ تر را برگزیده باشند و ارتباطشان را با بزرگ ترین تئورسین های سوسیال دموکرات جهان به نمایش گذاشته باشند (آجودانی، ۱۳۸۲: ۴۲۱). حذف بندهایی که با شرایط ایران هم خوانی نداشت را هم می توان با تأکید سوسیال دموکرات ها بر ضرورت توجه به شرایط اجتماعی ایران فهمید و این نشان از آگاهی های اجتماعی رهبران فکری اجتماعیون عامیون دارد. محمدعلی همایون کاتوزیان درباره تفاوت جنبش های ایرانیان با قیام ها و انقلاب های اروپایی معتقد است:

در ایران جامعه در برابر دولت سر به شورش برمی داشت و کل جامعه یا بیش تر آن پشتیبان شورش و بقیه جامعه در قبال آن بی طرف بود. به دیگر سخن، برخلاف جوامع اروپا، طبقات محروم در برابر طبقات ممتاز سر به طغیان بر نمی داشتند (کاتوزیان، ۱۳۸۱: ۱۹۵).

هم چنین منصوره اتحادیه بر این نکته تأکید می کند که برنامه مشهد میانه روتر از برنامه باکو بود و «بدون شک با در نظر گرفتن وضع خاص ایران تهیه شده بود» (اتحادیه، ۱۳۶۱: ۷۰). به عبارت دیگر، می توان با یزدانی در «عجله داشتن» سوسیال دموکرات های ایرانی موافق بود که آن را هم می توان به شرایط دشوار روسیه و ایران نسبت داد، اما در دنباله مطلب می توان با او به مناقشه پرداخت. علاوه بر این، یزدانی به رغم بازگو کردن این نکته که سوسیال دموکراسی ایران متکی به ایرانیان و کارگران ایرانی در قفقاز بود و در ارتباط با جنبش روسیه پدید آمد (ص ۱۰۶)، به فقدان بینش و برنامه سوسیال دموکراسی در ایران و نفی آن در میان اجتماعیون عامیون می پردازد (ص ۷۰-۸۳) و تا آن جا پیش می رود که در راستای اثبات ادعای خود به سخنان حیدر عمو اوغلی استناد می کند (ص ۱۳۱)، اما آن گاه که از برنامه مشهد سخن می گوید (ص ۱۷۲-۱۸۷)، از خاطر برده است که درباره مردم و شهری سخن می گوید که حیدرخان نتوانسته بود «یک فرقه سیاسی» در آن جا تشکیل بدهد

(ص ۱۳۱). می‌توان از یزدانی پرسید که چگونه ممکن است در میان چنان مردمی شعبه انجمن را تأسیس کرد (آجودانی، ۱۳۸۲: ۴۱۲-۴۱۳) و با تجمع در آن‌جا به تدوین برنامه پرداخت (ص ۱۷۱). افزون بر این، حتی اگر نوشته حیدر عمواغلی را ملاک قضاوت قرار دهیم، باید این نکته را در نظر گرفت که او در هنگام سکونت در مشهد ۲۲ سال داشته است و زبان فارسی هم نمی‌دانسته است (ص ۱۲۹)؛ بنابراین همان‌گونه که یزدانی در نوشته خود تصریح می‌کند، چندان دور از منطق و انتظار هم نیست که چنان اظهاراتی ناشی از نشناختن دقیق شرایط باشد (ص ۱۲۹).

محتوای اعلامیه‌ها و مواضع اجتماعیون عامیون از دیگر دلایل وابسته نبودن آنان به حزب سوسیال دموکرات روسیه به شمار آورده شده است. در این زمینه یادآوری نکاتی ضروری است. مهم‌ترین دلیل انشعاب میان سوسیال دموکرات‌های روسی و تقسیم آن‌ها به بلشویک و منشویک به اصول برنامه آنان در طرح توسعه اجتماعی و روش سیاسی مربوط می‌شد (بشیریه، ۱۳۸۳: ۸۲؛ سالیوان، ۱۳۸۴: ۶۱-۶۲، ۶۴-۶۵؛ فرو، ۱۳۵۳: ۳-۴). به عبارت دقیق‌تر، فهم متفاوت آنان از ماهیت انقلابی، که در روسیه در جریان بود، بلشویک‌ها و منشویک‌ها را از هم جدا می‌کرد.

یزدانی در ارزیابی برنامه و روش سیاسی اجتماعیون عامیون این نکته را فراموش می‌کند که اگر اجتماعیون عامیون ماهیت جنبش مشروطه‌خواهی را «انقلاب بورژوا-دموکراتیک» دانسته باشند، آن‌گاه شعارهای مربوط به مالکیت ارضی و تعیین ساعات کار (ص ۱۷۲-۱۷۴) تفسیر متفاوتی (ص ۱۷۸-۱۸۱) خواهند داشت. بر اساس آنچه در *اجتماعیون عامیون* به آن استناد شده است، کم‌تر می‌توان تردید داشت که سوسیال دموکرات‌های ایرانی با توجه به امکانات خود و شرایط جامعه ایران از مطرح کردن شعارهای حداکثری سوسیالیستی چشم‌پوشی کرده باشند. اجتماعیون عامیون برنامه‌ای داشتند که ایده‌های دموکراتیک (و نه ایده‌های سوسیالیستی و مساوات اجتماعی) را اولویت داده بود و تبلیغ می‌کرد. از این منظر، در ایران شرایط عینی انقلاب سوسیالیستی وجود نداشت. ملاکان بزرگ و تجار عمده، که به دلیل سیاست‌های پادشاهان قاجار و واگذاری امتیازات اقتصادی متضرر شده بودند و به تقاضاهای اصلاحات آنان در نظام قاجاری پاسخ راضی‌کننده داده نشده بود و تحت فشار نیروهای اجتماعی امکان سازش آنان با رژیم تقریباً ناممکن شده بود، مرحله آغازین مشروطه‌خواهی را هدایت می‌کردند. اجتماعیون عامیون با درک این شرایط خواسته‌هایی را مطرح کردند که اگرچه سوسیالیستی نبود، اما دموکراتیک بود. از این چشم‌انداز، شیوه تفکر و عمل آنان با تأکید سوسیال دموکرات‌های

روسی بر شیوه عمل در انقلاب‌های بورژوا دموکراتیک منطبق و هماهنگ بود. اقدامات آنان در رشت و انزلی و اختلاف‌های میان شعبه‌های اجتماعیون عامیون در تبریز، رشت، و انزلی را در فضای ناشی از تحلیل متفاوت شعبه‌ها از شرایط عینی منطقه فعالیت خود بهتر می‌توان فهمید و تحلیل کرد. به همین ترتیب، مواجهه آنان با مجلس شورای ملی نیز در این چهارچوب قرار می‌گیرد؛ بنابراین افکار و اعمال اجتماعیون عامیون در چهارچوب ارزیابی آنان از ماهیت انقلاب مشروطه درخور ارزیابی است.

نکات دیگری را هم می‌توان مطرح کرد که به دلیل محوری نبودن در/اجتماعیون عامیون از آن‌ها چشم‌پوشی می‌کنیم و فقط به این نکته از فصل هشتم کتاب اشاره می‌شود که هرگاه مدارک کافی برای تأیید منظور مؤلف/اجتماعیون عامیون وجود ندارد می‌نویسد:

به این مطلب توجه کنیم که گفت‌وگوی نمایندگان مجلس در مسائل حساس سیاسی و اجتماعی همیشه به روزنامه‌ها راه نمی‌یافت یا به‌طور خلاصه چاپ می‌شد و در مواردی هم جلسه‌ها غیرعلنی بود و گزارشی از آن‌ها به بیرون درز نمی‌کرد (ص ۲۳۹، زیرنویس ۱).

و یا «سخنرانی نمایندگان در روزنامه مجلس دست و پا شکسته چاپ می‌شد» (ص ۲۴۱). این‌گونه توجیهات با انتقاداتی که او از پژوهش‌گران متقدم در ابتدای کتابش می‌کند، چندان سازگار نیست. اگر یزدانی مجاز به تفسیر، در مواردی که سند موثقی وجود ندارد، است، چگونه می‌تواند دیگری را به دلیل دسترسی نداشتن به اسناد شماتت کند؛ به‌ویژه که یزدانی خود به‌صراحت از دست‌یابی به اسنادی نو سخن می‌گوید. پایان سخن آن‌که به‌رغم اعتباری که/اجتماعیون عامیون دارد، خواننده به این نتیجه می‌رسد که آن‌چه مؤلف فرضیه نامیده است باور راسخی بوده است که پژوهشگر برای اثبات آن از اسناد سود می‌برد. به‌عبارت دیگر، در این کتاب فرضیه‌ای به آزمون گذاشته نمی‌شود، بلکه اسناد برای تأیید پیش‌فرض و مفروضه مؤلف به کار گرفته شده‌اند.

۵. نتیجه‌گیری

نهضت (انقلاب) مشروطیت یکی از نقاط عطف تاریخ سیاسی معاصر ایران به شمار می‌آید. مشروطیت نخستین گام‌های جامعه ایرانی برای مواجهه و درونی‌سازی مدرنیسم بود. ایجاد پارلمان، محدودسازی سلطنت خودکامه به قانون، تدوین قانون اساسی، گسترش حوزه عمومی، و ایجاد نهادهای مدرن تلاش‌هایی بودند که مشروطه‌خواهان ایرانی برای نوسازی جامعه و سیاست انجام دادند. تشکیل حزب یکی از اقدامات آنان است. ایرانیان مهاجر و

مقیم در منطقه باکو و قفقاز با همکاری حزب سوسیال دموکرات روس در تأسیس حزب پیش‌گام شدند. این نهاد مدرن، که در ایران به فرقه (حزب) اجتماعیون عامیون مشهور شد، به‌رغم فعالیت‌هایی که داشت یکی از ناشناخته‌ترین احزاب سیاسی ایران باقی مانده است. *اجتماعیون عامیون* منبع ارزشمندی برای شناخت دقیق‌تر این گروه شرکت‌کننده در نهضت مشروطیت است. این کتاب با دقت علمی و ارائه اسناد تازه یافته‌شده پرتوی بر تاریکی چگونگی شکل‌گیری و اقدامات نخستین حزب سیاسی مدرن در ایران افکنده است. *اجتماعیون عامیون* بیانگر دغدغه‌های مؤلف آن است. فرقه (حزب) اجتماعیون عامیون با گرایش‌های سوسیال دموکراتیک در شمار گروه‌های چپ‌گرا بود که به‌دلیل تأثیرپذیری از حزب سوسیال دموکرات روسیه و شرایط موجود ایران به‌صورت مخفی عمل می‌کرد. این ویژگی‌ها به تفسیرها و تعبیرهای گاه متضاد درباره آن فرقه منجر شده است. *اجتماعیون عامیون* بر پایه اسناد و مدارکی که ارائه می‌دهد بر وابسته نبودن حزبی و تشکیلاتی فرقه اجتماعیون عامیون به سوسیال دموکرات‌های روسی تأکید می‌کند؛ هرچند که فرقه اجتماعیون عامیون با اندیشه‌های سوسیال دموکراسی سامان یافته بود و بر اساس مدل احزاب سوسیال دموکرات روسی و آلمانی سازمان‌دهی شده بود، منتهای عمل اجتماعیون عامیون در ایران بر مبنای شرایط اجتماعی ایران انجام می‌شد و این یکی از دلایل اصلی مؤلف *اجتماعیون عامیون* برای اثبات استقلال آن فرقه است. همان‌گونه که در کتاب تأکید می‌شود اولین آشنایی ایرانیان با حزب و عمل کردن در قالب تشکیلات حزبی همین تجربه بوده است. فرقه یا حزب مد نظر شرایط ایران را برای گذار انقلابی به سوسیالیسم نامساعد می‌دانست و به همین دلیل مشروطیت را در قالب جنبش بورژوا-دموکراتیک تحلیل می‌کرد. البته این تحلیل نیز به اظهار نظر و برداشت سوسیال دموکرات‌های آلمان به‌ویژه کائوتسکی مستند بود. نکته‌ای که مقاله حاضر بر آن پای فشرده همین ارتباط سازمانی و فکری میان سوسیال دموکرات‌های ایرانی با هم‌تایان حزبی خود در روسیه و آلمان است. از این جنبه شرط لازم برای عمل تشکیلاتی و حزبی ارتباط سازمانی است و اجتماعیون عامیون ارتباط محکمی با سوسیال دموکرات‌های قفقاز داشتند. با توجه به خط مشی احزاب سوسیال دموکرات تقریباً همه آن‌ها در عین ارتباط با یک‌دیگر تاکتیک‌هایی مناسب با شرایط منطقه‌ای که در آن فعالیت می‌کردند انتخاب می‌کردند؛ این شیوه در میان شعبه‌های مختلف فرقه اجتماعیون عامیون نیز به‌کار گرفته می‌شد، البته این اختلاف‌ها بیش‌تر تاکتیکی بودند، وگرنه اصول مرامی شعبه‌ها و هم‌تایان غیرایرانی آن‌ها یک‌سان بود. واکنش برخی از شعبه‌های حزب اجتماعیون عامیون به دستورالعمل‌های صادرشده از باکو، از یک سو نشانه‌ای از هم‌بستگی

با آن‌جا را آشکار می‌کند و از طرف دیگر نپذیرفتن تاکتیک‌های عام را نشان می‌دهد. به عبارت دیگر، باید میان هم‌بستگی و وابستگی تفاوت قائل شد. هم‌چنین خشونت و ترور، که اجتماعیون عامیون به‌کار گرفتند، با پشتیبانی هم‌فکران روسی آن‌ها انجام می‌شد. حزب سوسیال دموکرات روسیه اگرچه با تروریسم مخالفت می‌کرد، اما لنین استفاده از ترور را در موارد خاص و در حکم تاکتیک حزبی تجویز می‌کرد. نهایت آن‌که استقلال فرقه اجتماعیون عامیون به‌رغم تلاشی که در/اجتماعیون عامیون شده است هم‌چنان مبهم باقی می‌ماند.

پی‌نوشت

۱. در سراسر این مقاله در مواردی که منحصراً به/اجتماعیون عامیون ارجاع داده شده است فقط شماره صفحه ذکر می‌شود.

منابع

- اتحادیه، منصوره (نظام مافی) (۱۳۶۱). *پیدایش و تحول احزاب سیاسی مشروطیت (دوره اول و دوم مجلس شورای ملی)*، تهران: گستره.
- آجودانی، ماشاءالله (۱۳۸۲). *مشروطه ایرانی*، تهران: اختران.
- آدمیت، فریدون (۱۳۸۷). *فکر دموکراسی اجتماعی در نهضت مشروطیت ایران*، تهران: نشر گستره.
- بشیریه، حسین (۱۳۸۳). *اندیشه‌های مارکسیستی*، تهران: نشر نی.
- دولت‌آبادی، یحیی (۱۳۷۱). *حیات یحیی*، تهران: عطار و فردوس.
- روشه، گی (۱۳۷۴). *تغییرات اجتماعی*، ترجمه منصور وثوقی، تهران: نشر نی.
- سالبوان، استفان (۱۳۸۴). *مارکس در دوران پساکمونیست*، ترجمه شیوا رویگریان، تهران: گام نو.
- شاگری، خسرو (۱۳۸۴). *پیشینه‌های اقتصادی - اجتماعی جنبش مشروطیت و انکشاف سوسیال دموکراسی در آن عهد*، تهران: اختران.
- فرو، مارک (۱۳۵۳). *انقلاب روسیه*، ترجمه جمشید نبوی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- فی، برایان (۱۳۸۱). *فلسفه امروزی علوم اجتماعی*، ترجمه خشایار دیهیمی، تهران: طرح نو.
- کاتوزیان، محمدعلی همایون (۱۳۸۱). *تضاد دولت و ملت نظریه تاریخ و سیاست در ایران*، ترجمه علیرضا طیب، تهران: نشر نی.
- کسروی، احمد (۱۳۸۲). *تاریخ مشروطه ایران*، تهران: نگاه.
- میرزا صالح، غلامحسین (۱۳۸۴). *مذاکرات مجلس اول*، تهران: مازیار.
- ناظم‌الاسلام کرمانی (۱۳۶۲). *تاریخ بیداری ایرانیان*، تهران: آگاه.
- یزدانی، سهراب (۱۳۹۱). *اجتماعیون عامیون*، تهران: نشر نی.